

مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی به دلیل نقض حقوق بین‌الملل محیط زیست در مخاصمه ۲۲ روزه غزه

عسکر جلالیان*

چکیده

عرصه محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت تلقی شده و بر همگان است که در زمان جنگ و صلح از آن حفظ و حراست نمایند. کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های فراوانی تاکنون در حوزه بین‌الملل تدوین گردیده که بر حفظ و حراست از محیط زیست تصریح نموده‌اند. مقاله پیش رو ضمن واکاوی اقدامات رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه غزه که در سال ۲۰۰۸ به وقوع پیوست، مسئولیت بین‌المللی این رژیم را در این جنگ مورد بحث قرار داده است. در نتیجه‌گیری، ضمن استدلال در خطاهایی که رژیم مذکور مرتکب شده، نقض‌های این رژیم در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز احصاء و تشریح شده است. طبق مواد و محتوای پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های موجود، رژیم صهیونیستی باید در خصوص نقض گسترده محیط زیست غزه ضمن قبول مسئولیت نسبت به جبران خسارات وارده نیز اقدام نماید. جامعه بین‌الملل نیز ملزم است با استفاده از تدابیر لازم، این رژیم را به جبران خسارات مقید نماید. برای پیشگیری از تکرار چنین اتفاقاتی باید به سمت و سویی حرکت کرد که رژیم صهیونیستی مسئولیت بین‌المللی خود در نقض قوانین محیط زیست را بپذیرد. تجربه نشان می‌دهد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال محیط زیست باید از حالت اختیاری، توصیه‌ای و تشویقی خارج گردد و حالت اجباری، تحمیلی و وظیفه‌ای به خود بگیرد. ایجاد ارگان و مکانیسمی که این ایده را اجرایی نماید، از ضروریات انکارناپذیر دنیای امروز است.

واژگان کلیدی

محیط زیست، مسئولیت بین‌المللی، جبران خسارت، رژیم، میراث مشترک بشریت، جنگ ۲۲ روزه غزه، حقوق بین‌الملل

Email: dr_ajalalian@yahoo.com

* استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور مرکز تهران

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۰۴

تاریخ ارسال: ۹۰/۱۱/۲۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۵ / زمستان ۱۳۹۱ / صص ۱۲۷-۹۳

مقدمه

در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ میلادی، رژیم صهیونیستی از زمین، هوا و دریا به صورت گسترده نوار غزه را مورد حمله قرار داد. در این اقدام نظامی که ۲۲ روز به طول انجامید و تحت عنوان "مخاصمه ۲۲ روزه غزه" در تاریخ به ثبت رسیده، مواد بسیاری از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مورد نقض قرار گرفت. عمده‌ترین نقض صورت گرفته در خصوص محیط زیست غزه بوده که با نادیده گرفتن پروتکل‌های لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت مورد تخریب گسترده قرار گرفت. رژیم صهیونیستی به هر لطایف‌الحیلی تلاش نموده است از پذیرش مسئولیت بین‌المللی این قضیه شانه خالی کند. متأسفانه جامعه بین‌الملل نیز در شناسایی مسئولیت بین‌المللی این رژیم کوتاهی کرده است.

مطابق با ماده یک طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، وفق مواد کمیسیون توسعه حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱)، هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. این فعل مطابق ماده ۲، هر رفتار متخلفانه بین‌المللی دولت اعم از فعل و ترک فعل می‌باشد (مسئولیت بین‌المللی

دولت، ص ۳۳۶). همچنین مطابق با ماده ۴، ۵ و ۶، رفتار ارگان‌های دولت، اشخاص یا نهادهایی که عناصری از اقتدار دولتی را اعمال می‌کنند و رفتار ارگان‌های دولتی که در اختیار دولت دیگر قرار دارد نیز قابل انتساب به رفتار دولت محسوب می‌گردد (مسئولیت بین‌المللی دولت، صص ۱۵۵-۱۵۶).

رعایت قواعد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، حقوق بشر، حقوق مخاصمات مسلحانه که جزو قواعد عرفی حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردند و نقض این قواعد که ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام می‌باشند، از آنجایی که به دلیل ماهیت این تعهدات، این حقوق به همه دولت‌ها مربوط بوده و تمامی دولت‌ها دارای نوعی منفعت حقوقی در خصوص این تعهدات عام‌الشمول هستند، می‌توان بیان داشت که حقوق محیط زیست جزو این قواعد محسوب می‌شود و مسئولیت تمامی دولت‌ها را در راستای طرح دعوی و مطالبه غرامت در خصوص آسیب زمانی به این حقوق به همراه دارد. لذا مطابق با ماده ۴۸ هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده حق دارد در خصوص تعهد نقض شده که منفعت جمعی و منافع مشترک

1. Erga Omnes

کنوانسیون مرتکب شده‌اند، مسئول و ملزم به رسیدگی می‌داند. دولت‌ها ملزم هستند اصل استرداد کن یا محاکمه کن را در خصوص افراد خاطی که در حوزه صلاحیتشان یافت می‌شوند، فارغ از هرگونه ارتباط میان فرد خاطی و آن دولت، مورد توجه قرار دهند. طبق اصل "محاکمه یا استرداد" و "اصل صلاحیت جهانی" دولت‌ها موظف‌اند قوانین و مقررات کیفری داخلی خود را با اصول کنوانسیون سوم ژنو مطابقت داده و نسبت به تصویب این قوانین اقدام نمایند. صدور عفو عمومی پس از خاتمه مخاصمات نیز شامل جنایتکاران جنگی نشده و نمی‌تواند مانع از رسیدگی و تعقیب کیفری جنایتکاران جنگی در حوزه بین‌الملل گردد.

مطابق با اصول مذکور، این اجازه به دولت‌های دیگر کشورها داده می‌شود تا در صورت یافتن افراد مذکور، از این اصول تبعیت و آنها را اجرایی نمایند. پس طبق کنوانسیون‌های ژنو، تمامی دولت‌های متعاقد، ملزم می‌باشند از کیفرگریزی جنایتکاران جنگی ممانعت نمایند. در اینجا می‌توان گفت یک راهکار جهت جلوگیری از بی‌کیفری جنایتکاران جنگی و اجرای ماده ۲۹ کنوانسیون سوم ژنو، تشکیل سازمان‌های دولتی و یا غیر دولتی در سطح ملی با حوزه

جامعه بین‌المللی را در بردارد، به مسئولیت دولت خاطی استناد نماید (مسئولیت بین‌المللی دولت، صص ۲۸۰-۲۸۱).

در این مقاله تلاش می‌شود مستند و مستدل مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در مخاصمه مورد بحث تشریح و به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- چرا چنین نقض‌های گسترده‌ای در خصوص محیط‌زیست غزه رخ داده است؟
- وظیفه جامعه بین‌الملل در پیشگیری از تکرار چنین نقض‌های گسترده چیست؟
- آیا رژیم صهیونیستی در نقض محیط‌زیست غزه مسئولیت بین‌المللی دارد یا خیر؟

۱- مسئولیت دولت‌ها در شناسایی، تعقیب و کیفر جنایتکاران جنگی

مطابق با ماده ۲۹ کنوانسیون سوم ژنو، کشورها ملزم به شناسایی، تعقیب و کیفر جنایتکاران جنگی می‌باشند. این ماده که هم جنبه کیفری و هم جنبه مدنی مسئولیت را مورد توجه قرار می‌دهد، مطابق با اصل «استرداد کن یا محاکمه کن»^۲، دولت‌ها را نسبت به محاکمه افرادی که نقض عمده

2. Aut Dedere Aut Judicare

۲- مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه غزه و وظیفه جبران خسارت

رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه غزه مطابق با ماده ۱۳۱ کنوانسیون سوم ژنو که مقرر می‌دارد "طرف متخاصم که کنوانسیون را نقض نماید، مسئول پرداخت غرامت است، به روشنی مسئول پرداخت غرامت می‌باشد و دولت‌ها نیز مسئول همه اعمال افرادی می‌باشند که بخشی از نیروهای مسلح آنان را تشکیل می‌دهند که این تصریح جای هیچ شبهه‌ای باقی نگذاشته است" (ماده ۹۱ پاراگراف اول و ماده سوم کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه). حتی اگر رژیم صهیونیستی عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ هم نباشد، به دلیل رویه دولت‌ها و عرفی بودن این کنوانسیون‌ها، متعهد به رعایت مفاد مندرج در آنها و متعهد به جبران خسارت زیست‌محیطی، که به صورت گسترده متوجه محیط‌زیست غزه نموده است، می‌باشد.

فعالیت بین‌الملل و برگزاری کنفرانس‌ها در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد. این راهکارها می‌توانند در تحقق بخشیدن به توسعه حوزه حقوق بین‌الملل کیفری و حمایت کیفری این حقوق در زمینه جرایم عمده، مطابق با اساسنامه و اجرای صلاحیت جهانی در خصوص جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی موثر واقع گردد.

تشکیل دادگاه بین‌المللی مستقل نیز در حوزه جرایم زیست‌محیطی، امکان محاکمه این افراد را به صورت موثرتری و با ضمانت اجرایی کارآمدتری امکان‌پذیر خواهد ساخت. توضیحات فوق به صورت روشن و شفاف گوشه‌ای از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را تبیین می‌نماید. در خصوص مخاصمه غزه رژیم صهیونیستی نسبت به مفاد کنوانسیون سوم ژنو خاصه ماده ۱۲۹ مسئولیت دارد و این بی‌توجهی به وضوح قابل استناد است، آنچه این رژیم و افراد یا مجموعه‌هایی که اقتدار آن را اعمال می‌نمایند، در حق محیط‌زیست غزه و به تبع آن محیط‌زیست منطقه مرتکب شده است، در حوزه بین‌الملل مسئولیتی غیر قابل انکار، برایش رقم می‌زند.

۳- مبانی مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی و دیگر اعضای جامعه بین‌الملل در قبال نقض‌های گسترده محیط‌زیست غزه

میثاق جامعه ملل اولین معاهده چندجانبه‌ای بود که به طور مشخص حق توسل به جنگ را محدود نمود. مواد ۱۰ تا ۱۶ میثاق تحت عنوان طرق مسالمت‌آمیز حل اختلافات برای کشورهای عضو و غیر عضو محدودیت‌هایی برای اقدام به جنگ قائل شد. البته این قواعد به ممنوعیت کامل جنگ منجر نشد، اما در این زمینه پیشرفتی را موجب گردید که به ممنوعیت جنگ در پیمان بریان - کلوگ مورخ ۱۹۲۸ منتهی شد و همچنین طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منجر به ممنوعیت هر تهدید یا استفاده از زور در روابط بین‌المللی گردید. استثنائات این امر در مورد مجازات علیه کشورهایایی که در طول جنگ جهانی دشمن امضاءکنندگان بودند (مواد ۵۳ و ۱۰۷) و در مورد حق ذاتی دفاع مشروع و دفاع مشروع دسته‌جمعی (ماده ۵۱) اعمال می‌گردد. در صورت بروز یک حالت تهدید صلح یا یک اقدام تجاوزکارانه در حال حاضر، شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد اینکه آیا

اقدام نظامی بایستی اعمال شود یا خیر، تصمیم می‌گیرد.

با وجود این، تمام محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های جنگ و استفاده از زور از جنگ جهانی اول به بعد خصوصاً چون به علل سیاسی ضمانت اجراهای سازمان ملل نیروی بازدارندگی مؤثری نداشته‌اند، قادر به جلوگیری از بروز جنگ‌های با ظاهر فریبنده و تغییر شکل داده شده نبوده‌اند، لذا جنگ عملاً و قانوناً به عنوان پدیده‌های مستمر ادامه داشته است و از این رو تدوین قواعد آن به وسیله حقوق بین‌الملل مدرن ضروری می‌باشد (بختیاری اصل، ۱۳۷۲). هنگامی که در سال ۱۹۴۹ چهار کنوانسیون ژنو تصویب گردید، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیشنهاد کرد عبارت «احترام بشر و رعایت منزلت و شأن وی یک اصل جهانی است که حتی در صورت عدم انعقاد قرارداد نیز قابل اجراست»، در مقدمه آنها گنجانده شود. پیشنهاد شد که قواعد اثباتی که منعکس‌کننده این اصل می‌باشند، بایستی به کنوانسیون اضافه شود. هر چند مقدمه مزبور پذیرفته نشد، اما قواعد اساسی که حتی در حالاتی که در کنوانسیون‌ها تصریح نشده باشد، به کار رود و به عنوان نمونه‌ای برای حداقل قواعد قابل احترام توسط اطراف یک

مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی به کار گرفته شود، در پاراگراف اول ماده ۳ به صورتی مشترک در هر چهار کنوانسیون ژنو گنجانده شد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فهرست قواعدی را برای آموزش و انتشار تدوین نموده که حاوی هفت قاعده به صورت ساده و خلاصه است که از میان این ۷ قاعده، ۲ قاعده آن در خصوص محیط‌زیست است. در قاعده ششم آمده است: اطراف یک مخاصمه و اعضای نیروهای مسلح آنها حق انتخاب نامحدود متدها و جنگ‌افزارها را ندارند. به کارگرفتن اسلحه یا متدهایی از جنگ با طبیعتی که ایجاد تلفات غیر ضروری یا دردهای افراطی نمایند، ممنوع است. در قاعده هفتم نیز چنین آمده است: اطراف یک مخاصمه بایستی در همه حال بین جمعیت غیر نظامی و رزمندگان به منظور حفظ آنان و اموال غیر نظامی تفکیک قائل شوند. نه جمعیت غیر نظامی و نه افراد غیر رزمنده نباید هدف حمله قرار گیرند. حملات تنها بایستی به اهداف نظامی صورت گیرد.

از قاعده‌های فوق دو نتیجه به نفع محیط‌زیست و حفظ آن می‌توان اتخاذ نمود. در قاعده‌های مذکور تصریح شده است که حق اطراف مخاصمه و اعضای نیروهای مسلح

در انتخاب متدها و وسایل جنگی که می‌توانند به محیط‌زیست صدمه بزنند، نامحدود نیست و از طرفی می‌توان گفت که این محدودیت شامل حالتی که محیط‌زیست به عنوان یک ابزار جنگی به کار گرفته شود نیز می‌گردد و نیز اصل تفکیک را بیان نموده و حمله را صرفاً متوجه اهداف نظامی دانسته است. می‌توان محیط‌زیست را با دیدی کلی از جمله اموال غیر نظامی که نباید هدف حمله قرار گیرد، محسوب نمود (بختیاری اصل، ۱۳۷۲، صص ۶۷-۶۵). مضافاً اسرائیل از حربه تخریب گسترده محیط‌زیست غزه به‌عنوان ابزار جنگی و فرصت استفاده نمود که جامعه بین‌الملل باید این مسئولیت را برای او بشناسد.

مطابق با ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ سلاح‌هایی که محیط‌زیست را تغییر داده و یا به آن آسیب می‌رسانند (کنوانسیون منع استفاده نظامی یا هر نوع استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط‌زیست ENMOD مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۷۶) برای استفاده در هر حالتی از جنگ ممنوع شده است.

ب) مسئولیت کیفری

کشورهای عضو کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های ضمیمه آن متعهدانه اقدامات ممکن برای اجرای صحیح این معاهدات را در زمان جنگ به عمل آورند. یکی از مهم‌ترین این اقدامات تدوین قوانین ملی مناسب در مورد مجازات‌های جزایی می‌باشد. هرچند که خسارات غیر گسترده، غیر مستمر و جدی به محیط‌زیست نقض مهم پروتکل شماره یک نیست، چنین خساراتی ممکن است قسمتی از نقض شدید سایر مقررات باشد. از جمله مکانیسم ضمانت اجرای قانون، شاید راه حل این مشکل از طریق مجمع عمومی و یا شورای امنیت باشد. به عبارت دقیق‌تر شورای امنیت یا مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بین‌الملل درخواست خواهند نمود تا نسبت به تدوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اقدام نماید. در هر حال صرف وجود قانون نمی‌تواند متضمن عدم وقوع جرم باشد (بختیاری اصل، ۱۳۷۲، صص ۱۳۹-۱۳۸).

ماده یک مشترک در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل شماره یک ضمیمه به آنها اشعار می‌دارد: «کشورهای عضو متعهدند معاهدات مذکور را محترم بشمارند». این ماده بر مسئولیت مشترک کلیه کشورهای عضو کنوانسیون و پروتکل شماره یک مبنی بر

۴- مبانی مسئولیت پرداخت غرامت توسط رژیم صهیونیستی در خصوص جنگ ۲۲ روزه غزه

قاعده مسئولیت پرداخت خسارت به علت نقض هر یک از قواعد مخاصمات مسلحانه تحت قواعد ماده ۳ کنوانسیون شماره ۴ لاهه و ماده ۹۱ پروتکل شماره یک ژنو است. در بین روش‌های اجرایی موجود تدوین‌شده توسط حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان ضمانت اجرایی، دو طریق را می‌توان ذکر نمود.

الف) کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب

طبق ماده ۹۱ پروتکل شماره یک ژنو در صورت ادعای نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کمیسیون مزبور موظف به تعیین حقایق و ارائه خدمات به طرف‌های مورد نظر با نیت جلوگیری از تخلفات آتی می‌باشد. روشن است کمیسیون حقیقت‌یاب درباره خسارت زیست‌محیطی زمان جنگ نمی‌تواند خدمات ارزنده‌ای ارائه دهد. طبق بند ۲ ماده ۹۰ پروتکل شماره یک، صلاحیت کمیسیون بین‌الملل حقیقت‌یاب به اعلامیه مخصوص قبول طبق همین بند، بستگی دارد.

اطمینان از اجرای تعهدات بشردوستانه توسط هر یک از کشورهای عضو تأکید دارد. وظیفه احترام به محیط‌زیست یکی از این تعهدات است. قوانین موجود از جمله کنوانسیون‌های لاهه، ژنو و پروتکل الحاقی شماره یک و کنوانسیون ENMOD در حال حاضر به صورت عرف بین‌الملل محسوب می‌شوند و نقض آنها حتی برای کشورهای غیر عضو این معاهدات مسئولیت‌آور است. پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی کنوانسیون‌های ژنو سهم مهمی در تقویت قواعد بین‌المللی به منظور حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ایفاء می‌نماید (بختیاری اصل، ۱۳۷۲، صص ۱۴۱-۱۴۰). رژیم صهیونیستی گرچه پروتکل‌های الحاقی را نپذیرفته است، اما از آنجایی که در اصل کنوانسیون‌های چهارگانه عضو می‌باشد، ملزم به مراعات مفاد این پروتکل‌ها نیز می‌باشد؛ مضافاً ملزم به مراعات عرف نیز می‌باشد.

با عنایت به توضیحات مختصر فوق، آنچه در اسناد بین‌المللی در خصوص وظایف و ظرفیت‌های کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب به چشم می‌خورد و همچنین آنچه بر مسئولیت کیفری تصریح دارد و از طرفی دیگر مفاد تصریح‌کننده بر مسئولیت کشورهای عضو و حتی غیر عضو در معاهدات

بشردوستانه، همگی حاکی از مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در تخریب گسترده محیط‌زیست غزه است، متأسفانه جامعه بین‌المللی در شناسایی این مسئولیت، چنانکه باید، به وظیفه خود عمل نکرده است.

۵- خسارات و غرامات ناشی از فعالیت نظامی در محیط‌زیست غزه

بر اساس بند ۶ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) کشورهای متخاصم متعهد می‌باشند، حسب ظهور هر نوع برخورد نظامی یا اشغال سرزمین، در سرزمین هر کدام از طرفین، اصول کنوانسیون را به کار گرفته، زمانی که اشغالی در کار نیست، به محض اتمام عملیات نظامی موضوع کنوانسیون متوقف می‌گردد. اما چنانچه اشغال سرزمین در کار باشد، موضوع کنوانسیون تا یک سال پس از اتمام فعالیت‌های نظامی می‌بایست رعایت گردد.

دولت اشغالگر موظف است در طول مدت اشغال، چنانچه وظایف حاکمیتی را در سرزمین اشغالی انجام می‌دهد، بر مبنای بندهای ۱ تا ۱۲، ۲۷، ۲۹ تا ۳۴، ۴۷، ۴۹، ۵۱-۵۳، ۵۹، ۶۱ تا ۷۷ و ۱۴۳ کنوانسیون ژنو نسبت به رعایت حقوق شهروندان و حفظ محیط‌زیست مطابق با مفاد مواد مذکور اقدام نماید. مسئولیت دولت اشغالگر بر اساس

نیروهای نظامی کشوری مستقیماً درگیر نباشند، بر اساس ماده ۲۵ مقررات رم (دادگاه کیفری بین‌المللی) مسئولیت دارند. این مسئولیت همچنین شامل کسانی می‌گردد که به هر طریقی برای انجام جرم یا لشکرکشی اقدام یا مساعدت می‌کنند که منتج به اجرای جرمی توسط گروهی با هدف مشترک می‌گردد. بنابراین با توجه به آنچه در غزه اتفاق افتاده و به طور آشکار از سلاح‌های امریکایی و اروپایی در سرزمین‌های فلسطینی و غزه استفاده شده و محیط‌زیست غزه را به صورت گسترده تخریب نموده است، مسئولیت صدمات و غرامات نه تنها برای اسرائیل بلکه کشورهای مساعدت‌کننده ثبت می‌گردد.

متأسفانه در گزارش کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر (گزارش گلدستون) این موضوع چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد استفاده از اهرم دیوان کیفری بین‌المللی و قوانین حقوق بین‌الملل، ابزار مناسبی برای پیگیری غرامات و خسارات وارده بر محیط‌زیست در غزه می‌باشد. در غیر این صورت باید یک دادگاه ویژه^۳ یا یک کمیته داوری، به این موضوع رسیدگی نماید. از آنجایی که اسرائیل بیشترین کمک مالی و

مقررات لاهه (بند ۵۵) که موظف می‌نماید دولت اشغالگر به عنوان حاکم، اداره ساختمان‌های دولتی، عرصه‌ها، جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی و مزروعی را در سرزمین اشغالی بر عهده گیرد. در صورت عدم رعایت حفظ امکانات فوق، زمینه‌های دعاوی خسارات و غرامات برای کشور اشغال‌شده فراهم می‌گردد. چنانچه در یک فعالیت نظامی، قطعنامه شورای امنیت برای اشغال کشوری صادر نشده باشد، در آن صورت می‌بایست بند ۶ ماده ۵۵ مقررات پروتکل لاهه اعمال گردد. در صورت وجود مجوز شورای امنیت برای اشغال یک کشور می‌بایست چارچوب تعریف‌شده از سوی شورای امنیت رعایت گردد. با وجود این، چنین مجوزی برای اشغال منطقه غزه صادر نشده بود و مفاد مقررات ماده ۵۵ پروتکل لاهه نیز از سوی نیروهای اسراییلی رعایت نشده است. بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل لاهه، کشورهایی که در اشغال یک سرزمین با یکدیگر همکاری داشته و یا در اشغال سرزمین به کشور دیگری کمک کرده‌اند، در مسئولیت عواقب اقدام غیر قانونی اشغال شریک هستند. بنابراین برای اقداماتی که تحت عنوان جنایات جنگی تلقی می‌شود، حتی اگر

فلسطینی و چه از سوی سازمان‌های غیردولتی و یا سایر نهادهای بین‌المللی، هیچکدام به طور کامل تحقق نیافته و آنچه نیز از سوی کشورهای دیگر تعهد شده، به ویژه در خصوص بازسازی‌ها، به دلیل تحریم‌های اسرائیلی و ایجاد موانع فیزیکی و اجرایی، در عمل غیر قابل دسترسی و غیر قابل اجرا بوده است.

با وجود این، جبران ضررها و زیان‌ها و دریافت غرامت بر مبنای قوانین حقوق بین‌الملل میسر و ممکن است. مواردی که جراحات و نقص عضو وجود داشته قابل محاسبه است و در مواردی که آسیب‌های روانی و روحی وارد شده است، می‌بایست مطالعات جامع‌تر و دراز مدت‌تری انجام گیرد. حقوق بین‌الملل برای جبران و بازسازی امکان محاسبه و دریافت غرامت را پیش‌بینی کرده است. گرچه احصاء خسارات و صدمات زیست محیطی کار دشواری است، اما امری شدنی می‌باشد.

مطابق پاراگراف ۱۸۶۱ گزارش گلدستون وظیفه پرداخت کامل غرامت برای صدمه و ضرر ناشی از فعالیت غیر قانونی نظامی بر عهده کشور خاطی است. حقوق بین‌الملل همچنین حقوق آسیب‌دیدگان برای بازسازی و اصلاح و دریافت غرامت بابت

نظامی را از امریکا و اتحادیه اروپا دریافت می‌دارد و در مجامع بین‌المللی، از حمایت بی‌دریغ آنها بهره می‌گیرد، خارج از چارچوب استراتژی امریکا و اروپائیان در منطقه عمل نکرده و عدم رعایت مقررات بین‌المللی را فصل‌الخطاب اقدامات خود قرار داده است؛ این نوع عملکرد در درازمدت منجر به یک سوپه‌نگری قوانین بین‌المللی و بی‌ارزش کردن حقوق بین‌الملل می‌گردد. که در نهایت هرج و مرج در نظم بین‌المللی را ایجاد خواهد کرد و باعث خواهد شد که دیدگاه‌ها و منافع فردی (یک دولت) بر دیدگاه‌های جامع بین‌المللی تفوق یافته، زمینه‌های تبعیض بین‌المللی ایجاد شده و بسترهای لازم برای برخورد‌های اقتصادی و نظامی را به همراه داشته باشد. جامعه بین‌الملل چنانچه مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در نقض‌های گسترده و متنوع ارتكابی در غزه خاصه در مقوله محیط‌زیست را به رسمیت نشناسد، عواقب این بی‌توجهی گران تمام خواهد شد.

در خصوص جبران غرامت، ضررها و خسارت‌های وارده به فلسطینیان (از لحاظ معیشت، مستغلات و خاصه محیط‌زیست) بسیار زیاد و گسترده بوده است. تمام مواردی که برآورد شده، چه از سوی مقامات

بند ۳ ماده ۲ ICCPR و ماده ۶ کنوانسیون منع تبعیض نژادی، ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه و ماده ۳۹ کنوانسیون حفظ حقوق کودکان به رسمیت شناخته شده است. مقررات رم نیز اجازه می‌دهد که مصدومین و آسیب‌دیدگان بر مبنای میزان مشارکت در صدمات وارده غرامت دریافت دارند (Human Rights in Palestine and other Occupied Arab Territories, 2009, Para. 1864)

می‌توان تمام زوایای آنچه را که به تبع فعالیت‌های نظامی اسرائیل چه از روی عمد و چه غیر عمد در قبال محیط‌زیست غزه رخ داد، بر مفاد مواد فوق‌الذکر منطبق نمود. جامعه بین‌الملل باید اولاً این مسئولیت را برای اسرائیل شناسایی کند. ثانیاً راهبردها و راهکارهای احصاء و دریافت غرامت را تدبیر نماید. بسیاری از نقض‌های صورت‌گرفته در محیط‌زیست غزه تبعات آن برای نسل‌های آتی نیز ماندگار است.

بر مبنای گزارش‌های خبری، برنامه توسعه سازمان توسعه ملل متحد (UNDP) و مقامات فلسطینی موافقتنامه‌ای را امضا کردند که بر مبنای آن ۲۷۰ میلیون دلار امریکا برای بازسازی بخش کشاورزی غزه به کار گرفته شود که به صورت بسته‌های غرامتی به کشاورزان داده خواهد شد. کمیته

صدمه یا ضرر ناشی از جرم را در اثر نقض حقوق به رسمیت می‌شناسد. (Human Rights in Palestine and other Occupied Arab Territories, 2009, Para. 1861)

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی از سال‌های ۱۹۲۷ به این سو، مقررات دریافت غرامت برای صدمات ناشی از اعمال خطای بین‌المللی را به عنوان یک اصل پذیرفته است، به گونه‌ای که عنوان می‌شود پرداخت غرامت را به عنوان بخش لاینفک نقض اصول کنوانسیون تلقی کرده و ضرورت تأیید بر آن را کنوانسیون قید نکرده است. این اصل در ماده ۳۱ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارتباط با مسئولیت دولت‌ها برای اعمال خطای بین‌المللی آمده است.

قانون مذکور که مسئولیت تأمین و پرداخت غرامت را توسط کشور ناقض قوانین بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد، آن را در ارتباط با کنوانسیون حقوق بین‌الملل متعارف و پیمان‌نامه‌های حقوق بشر نیز جاری دانسته و قابل پیگیری می‌داند. مواردی که مؤید این نکته است، عبارت‌اند از: ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه، ماده ۵۱ اولین کنوانسیون ژنو، ماده ۵۲ کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۱۳۱ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۹۱ پروتکل یک کنوانسیون ژنو. همچنین، پرداخت غرامت در

صدمه دیدگان در دارفور سودان از طرف کمیته مربوطه یا در حوادث لبنان برای صدمه دیدگان پیشنهاد شده است (Human Rights in Palestine and other Occupied Arab Territories, 2009, Para. 1867-1873).

یکی از عمده‌ترین راهکارهای احصاء دقیق حجم خسارات زیست‌محیطی غزه و برآورد میزان خسارات و اجرایی کردن پرداخت این خسارات تأسیس دادگاه بین‌الملل ویژه محیط‌زیست است. در این صورت، ظرافت‌ها و دقت‌های لازم به کار گرفته خواهد شد و گوشه‌ای هرچند کوچک از حقوق فلسطینیان استیفاء خواهد شد.

۶- مبانی حقوقی مسئولیت پرداخت غرامت در مقابل صدمات

زیست محیطی غزه

الف) مسئولیت دولت‌ها برای نقض تعهدات زیست‌محیطی

برخی صدمات زیست‌محیطی در فعالیتهای نظامی اجتناب‌ناپذیر است، نمی‌توان انتظار داشت که در فعالیتهای نظامی آسیب‌های زیست‌محیطی وارد نشود. اما زمانی که این صدمات به صورت عمدی منجر به تخریب محیط‌زیست می‌گردد، در آن زمان است که چارچوب حقوقی برای

حقیقت‌یاب تصریح کرده که پرداخت غرامت به سازمان ملل متحد بابت صدمات و ضررهای وارده به کارکنان و ابنیه سازمان را بدون پذیرش مسئولیت عملکرد خود بپردازد.

در نظر مشورتی دادگاه بین‌المللی در خصوص «عواقب حقوقی ساخت دیوار حایل

در اطراف فلسطین» آمده که مسئولیت دولت اسرائیل است که برای صدمات وارده به محیط طبیعی و افراد غرامت پرداخت کند.

این نظر حاکی از عمق خسارات زیست‌محیط به غزه می‌باشد. بنابراین، سازمان ملل متحد دفتر ثبت صدمات^۴ را راه اندازی کرد تا داده‌ها و یافته‌های مربوط به صدمات وارده به فلسطینیان را در صورت ایجاد دیوار ثبت

کند. با توجه به تفسیرهای دادگاه اسرائیل، در خصوص دعاوی فلسطینیان و بسط دادن این دعاوی به «اقدامات جنگی» توسط

مدعیان در دادگاه‌ها، هرگونه حقی از فلسطینیان در دادگاه‌های داخلی اسرائیل نقض شده و احتمال دریافت غرامت عملاً

وجود ندارد. بنابراین، جامعه بین‌الملل می‌بایست مکانیسم جایگزین یا مضاعفی را برای وادار ساختن اسرائیل به پرداخت غرامت تعیین کند یا به کار گیرد. چنین اقدامی برای مواردی دیگر، مثلاً پرداخت غرامت برای

استدلال شد حتی اگر اسرائیل جزو متعاهدین این کنوانسیون‌ها هم نباشد، بر مبنای قوانین عرفی^۵ می‌بایست حقوق محیط‌زیست و افراد را در غزه رعایت نماید (Kazemi, 1998, pp.76-77). تعهدات زیست‌محیطی نیز در همین چارچوب قرار دارد.

ب) پروتکل اول ۱۹۰۷، الحاقی کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، در خصوص حقوق قربانیان مخاصمات نظامی بین‌المللی

اسناد فوق طرف‌های متعاقد را موظف می‌کند که در استفاده از ابزارهای جنگی در هنگام مخاصمات نسبت به صدمات شدید، درازمدت و گسترده زیست‌محیطی احتیاط کنند. هرگونه جنگ افزار یا روشی که به طور عمدی یا حتی احتمال تخریب، حذف و نارکارآمدسازی بر آن مترتب باشد و به هر دلیلی ملزومات تأسیساتی، مواد غذایی، محصولات، دام، زمین‌های کشاورزی و تأسیسات آبیاری را تخریب نماید، ممنوع است.

طرفین متعاقد همچنین توافق می‌کنند در صورتی که صدمات شدید و خطرات جدی برای مردم وجود داشته باشد، در این اسناد تصریح شده است که به سدها، آب بندها و

پیگیری صدمات وارده به کار گرفته می‌شود. اساساً بر اساس یک استاندارد فرهنگی و رویه عرفی، انسان برای خویش نسبت به محیط‌زیست احترام قائل بوده و از صدمه‌رسانی به آن جلوگیری به عمل می‌آورد. بر همین اساس این استانداردهای فرهنگی در چارچوب‌های حقوقی قرار گرفته و در برخی از موارد این چارچوب‌های حقوقی به صورت قوانین در هنگام بروز مخاصمات برای حفظ انسان و محیط‌زیست، تدوین گردیده است. در مباحث گذشته، اشاره‌هایی به بخشی از این قوانین صورت گرفته است، از جمله کنوانسیون‌های لاهه به‌خصوص کنوانسیون چهارم ۱۹۷۰ که در خصوص قوانین و عرف‌های مرتبط با مخاصمات سرزمینی و مسئولیت غرامت می‌باشند. این کنوانسیون‌ها، طرف‌های متعاقد را در صورتی که اشغالگر باشند موظف می‌نمایند که ساختمان‌های عمومی، اموال، جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی کشور تحت تصرف را به نحو احسن اداره نمایند.

در حدود بیش از ۳۰ درصد از کشورهای جهان به عضویت یک یا هر دوی این کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند. چهار کشور از ۵ کشور عضو دائمی شورای امنیت هم به این کنوانسیون‌ها ملحق شده‌اند. در مباحث قبل

تأسیسات تولید برق هسته‌ای حمله نکنند. در حدود ۲/۳ کشورهای جهان این اسناد را شناسایی کرده و به رسمیت شناخته‌اند. با وجود این، اصل Opinion Juries در اینجا نیز برای کشورهایی که عضو این پروتکل نمی‌باشد، تعهد به این پروتکل را به وجود می‌آورد (Kazemi, 1998, p.77).

ج) کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث طبیعی و فرهنگی جهانی

امضاءکنندگان این کنوانسیون بر این باورند که برخی میراث‌های طبیعی و فرهنگی ارزش‌های جهانی داشته و به دلیل حفظ میراث مشترک بشری ضروری است، با جامعه بین‌الملل، به عنوان یک مجموعه همکاری کرده و آن را حفظ نمایند. طرفین متعهد، تعهد می‌کنند هیچ‌گونه اقدام عمدی را که منجر به صدمه (مستقیم یا غیر مستقیم) به میراث فرهنگی یا طبیعی در منطقه مورد مناقشه می‌شود، انجام ندهند. حدود بیش از ۲/۳ کشورهای جهان عضو این کنوانسیون می‌باشند. تمامی ۵ کشور دائم شورای امنیت، عضو این کنوانسیون می‌باشند.

با توجه به اینکه غزه به عنوان بخشی از سرزمین قدیمی فلسطین، عرصه‌های طبیعی و میراث فرهنگی و تاریخی ارزشمندی را

داراست، در آن صورت رعایت حقوق این عرصه‌ها و حفاظت آنها در شرایط فعالیت نظامی می‌بایست انجام می‌گرفت و چنانچه صدمه‌ای وارد شده باشد، قابلیت پیگیری در مراجع حقوقی و قضایی ذی‌صلاح را داراست (Kazemi, 1998, p.77). تخریب گسترده محیط‌زیست غزه تبعات آن متوجه کشورهای اطراف نیز گردیده است. جامعه جهانی به راحتی می‌تواند مسئولیت اسرائیل را در این خصوص، اعتراف نماید.

د) پروتکل ژنو ۱۹۲۵ در خصوص منع استفاده از جنگ‌افزارهای میکروبی و شیمیایی

طرفین متعهد این پروتکل، متعهد می‌شوند که از هیچ‌گونه جنگ‌افزار شیمیایی و میکروبی در مخاصمات استفاده ننمایند. حدود ۳/۴ کشورهای دنیا از جمله تمام اعضای دائم شورای امنیت عضو این پروتکل هستند. اسرائیل در جنگ ۲۲ روزه غزه به کرات پروتکل مذکور را نقض کرده که در گزارش گلدستون به صورت مستند و مستدل آورده شده است. نقض پروتکل مذکور در خصوص محیط‌زیست غزه از وضوح بیشتری برخوردار است.

ه) کنوانسیون تغییرات زیست‌محیطی

۱۹۷۷

متعهدین به این پیمان متعهد می‌شوند که هیچ‌گونه فعالیت نظامی یا قهری را بر مبنای تغییرات ساختاری زیست‌محیطی (به عبارتی تغییرات عمدی در فرایندهای طبیعی) که اثرات شدید درازمدت و گسترده را به منظور واردسازی صدمه، زیان یا تخریب به طرف مقابل دارد، به کار نگیرند. حدود ۱/۳ کشورهای دنیا از جمله ۳ عضو دائم شورای امنیت عضو این کنوانسیون می‌باشند. با وجود این، اصل *Opinion Juris* (عقاید و ایده‌های حقوقی که مقبولیت عام دارند) در این خصوص نیز برای کشورهای غیر عضو حاکم است. گزارش ریچارد گلدستون به خوبی نقض کنوانسیون فوق را مستند کرده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در دو دهه گذشته تمامی کشورها نسبت به مسائل زیست‌محیطی و تخریب‌های زیست‌بومی آگاه‌تر شده و تلاش کرده‌اند با چالش‌ها و ناهنجاری‌های زیست‌محیطی مقابله و به نحو بایسته و شایسته در سطح محلی، ملی و بین‌المللی اقدام نمایند. هم‌زمان با این پیشرفت‌های فناوری و دستاوردهای علمی، مقررات عرفی و حقوقی نیز به طور روز افزون

پیشرفت کرده و نرم‌های حقوقی مناسب تعریف شده، به گونه‌ای که تمام عناصر زنده و غیر زنده محیط‌زیست را تحت حفاظت و مراعات خود قرار دهد. این توسعه حقوقی هم در زمینه‌های دریایی و هم در زمینه‌های سرزمینی اتفاق افتاده و این احساس مسئولیت به تمام کشورها تعمیم داده شده است. بنابراین تمام کشورها موظفاندر شرایط صلح، نسبت به حفاظت و بهره‌برداری پایدار از محیط‌زیست و مشارکت در رفع معضلات جهانی محیط‌زیست اقدام نمایند. با وجود این، در شرایط قهری نظامی، خواسته یا ناخواسته، قوانین بین‌الملل زیست‌محیطی متعددی طراحی شده است که ضامن حفظ حقوق زیست‌محیطی و جنبه‌های انسانی محیط‌زیست می‌باشد. مسئولیت دولت‌ها در ارتباط با حفاظت از محیط‌زیست در شرایط جنگی، همچنین با کنوانسیون منع فعالیت‌های نظامی یا هر فعالیت قهری دیگر علیه محیط‌زیست که صدمات درازمدت، پایدار و گسترده را به وجود می‌آورد، ممنوع گردیده است (Kazemi, 1998, pp.78-79). این سؤال در اینجا مطرح است که آیا حمله گسترده، عمدی و برنامه‌ریزی‌شده اسرائیل که به مدت ۲۲ روز در منطقه غزه ادامه یافت و صدمات وسیعی را چه از بعد انسانی و چه

از بعد زیست محیطی برجای گذاشت، مشمول این مقررات بین‌المللی زیست محیطی می‌گردد یا خیر؟ جامعه بین‌المللی نسبت به مسائل زیست محیطی به ویژه در شرایط جنگ حساس شده و صدها اعلامیه، اطلاعیه، قطعنامه، پروتکل و کنوانسیون را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به تصویب رسانده است و در این ارتباط با توجه به تأکیدات انجام شده از سوی جامعه بین‌الملل، مباحث زیست محیطی در حقوق بین‌الملل جنبه اصول عامه^۶ (اصول لازم‌الرعایه حقوق) پیدا می‌کنند. در این حالت، قوانین زیست محیطی مرتبط با اصول کلی قوانین بین‌الملل می‌شوند که رعایت آنها در کل برای جامعه بین‌الملل اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد. بنابراین دولت‌ها مجاز نیستند به میل خود باعث واردسازی صدمات جدی به محیط زیست جامعه خود و یا جامعه دیگر ملل گردند (Kazemi, 1998, p.80). و به عبارتی دیگر مقوله‌های زیست محیطی به دلیل اهمیتشان از لحاظ ماهیت برای کل جامعه بین‌الملل منحصر بوده و متفاوت از سایر جنبه‌های قانونی می‌باشد که دولت‌ها موظف به رعایت قوانین مربوط به آن می‌باشند

از بعد زیست محیطی برجای گذاشت، مشمول این مقررات بین‌المللی زیست محیطی می‌گردد یا خیر؟ جامعه بین‌المللی نسبت به مسائل زیست محیطی به ویژه در شرایط جنگ حساس شده و صدها اعلامیه، اطلاعیه، قطعنامه، پروتکل و کنوانسیون را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به تصویب رسانده است و در این ارتباط با توجه به تأکیدات انجام شده از سوی جامعه بین‌الملل، مباحث زیست محیطی در حقوق بین‌الملل جنبه اصول عامه^۶ (اصول لازم‌الرعایه حقوق) پیدا می‌کنند. در این حالت، قوانین زیست محیطی مرتبط با اصول کلی قوانین بین‌الملل می‌شوند که رعایت آنها در کل برای جامعه بین‌الملل اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد. بنابراین دولت‌ها مجاز نیستند به میل خود باعث واردسازی صدمات جدی به محیط زیست جامعه خود و یا جامعه دیگر ملل گردند (Kazemi, 1998, p.80). و به عبارتی دیگر مقوله‌های زیست محیطی به دلیل اهمیتشان از لحاظ ماهیت برای کل جامعه بین‌الملل منحصر بوده و متفاوت از سایر جنبه‌های قانونی می‌باشد که دولت‌ها موظف به رعایت قوانین مربوط به آن می‌باشند

از بعد زیست محیطی برجای گذاشت، مشمول این مقررات بین‌المللی زیست محیطی می‌گردد یا خیر؟ جامعه بین‌المللی نسبت به مسائل زیست محیطی به ویژه در شرایط جنگ حساس شده و صدها اعلامیه، اطلاعیه، قطعنامه، پروتکل و کنوانسیون را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به تصویب رسانده است و در این ارتباط با توجه به تأکیدات انجام شده از سوی جامعه بین‌الملل، مباحث زیست محیطی در حقوق بین‌الملل جنبه اصول عامه^۶ (اصول لازم‌الرعایه حقوق) پیدا می‌کنند. در این حالت، قوانین زیست محیطی مرتبط با اصول کلی قوانین بین‌الملل می‌شوند که رعایت آنها در کل برای جامعه بین‌الملل اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد. بنابراین دولت‌ها مجاز نیستند به میل خود باعث واردسازی صدمات جدی به محیط زیست جامعه خود و یا جامعه دیگر ملل گردند (Kazemi, 1998, p.80). و به عبارتی دیگر مقوله‌های زیست محیطی به دلیل اهمیتشان از لحاظ ماهیت برای کل جامعه بین‌الملل منحصر بوده و متفاوت از سایر جنبه‌های قانونی می‌باشد که دولت‌ها موظف به رعایت قوانین مربوط به آن می‌باشند

با توجه به توسعه روزافزون حقوقی "کمسیون حقوق بین‌الملل" در پیش‌نویس کنوانسیون تحت عنوان «مسئولیت‌های دولت» باید این دیدگاه را داشت که مسئولیت دولت‌ها در خصوص نگهداری و محافظت از محیط زیست می‌بایست در گروهی ویژه از موضوعات قواعد آمره و لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل عمومی^۸ لحاظ شده و هرگونه نقض آنها مسئولیت کیفری به دنبال داشته باشد. ماده ۱۹ همین کنوانسیون اظهار می‌دارد که جرم بین‌المللی ممکن است برای مثال در موارد زیر رخ دهد: به‌کارگیری اقدامات تجاوزگرانه، راه‌اندازی و برگزاری اقدامات چریکی

7. Erga Omnes
8. Peremptory Rules of General International Law

6. Jus Cogens

غزه صورت گرفت، ضرورت حفاظت از عناصر زیست‌محیطی تأکید و اهمیت زیادی می‌یابد. اینکه صدمات وارد شده به محیط‌زیست غزه از لحاظ گستردگی، شدت و طول مدت زمان چگونه بوده است، بر مبنای قوانین بین‌المللی جاری می‌بایست از طریق کمیسیون‌های ذی‌صلاح سازمان ملل متحد به صورت مجزا، توسط گروهی کارشناسی و حقیقت‌یاب، پایش و ارزیابی گردد.

به نظر می‌رسد که نقض حقوق بین‌المللی در غزه و مقوله‌های زیست‌محیطی از لحاظ حقوقی مورد توجه قرار نگرفته است. این تجربه خود می‌تواند به عنوان یکی از موارد مطروحه در عرصه حقوق بین‌الملل بررسی و تحلیل شود و آموزه‌ای برای موارد رخداد در آتی باشد. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مراجع تصمیم‌گیرنده بین‌المللی در خصوص جنگ ۲۲ روزه در منطقه غزه، نگرش محدود و صرفاً حقوق بشری داشته و نگرش جامع مبتنی بر قوانین بین‌الملل به دیگر ابعاد غیر حقوق بشری، از جمله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نداشته‌اند که این امر به احتمال زیاد منجر به عدم حساسیت‌زایی جامعه بین‌الملل نسبت به پیشگیری از تضییع حقوق زیست‌محیطی، تداوم و تشدید اقدام‌های تخریب‌گرانه اشغالگر و عدم پذیرش

استعماری با زور، انجام عملیات بردگی، کشتار جمعی و نژادپرستی و همچنین یک نقض جدی و آشکار تعهدات بین‌المللی مربوط به عدم مراعات حقوق محیط‌زیست انسانی مانند ایجاد آلودگی‌های دریایی، سرزمینی و هوایی (Kazemi, 1998, p.81).

برای مثال اسرائیل که دسترسی به دریای مدیترانه دارد و عملاً غزه را با ارتباط محدود سرزمینی با ساحل مدیترانه محاصره می‌کند، در خصوص حفظ محیط‌زیست دریای سرزمینی منطقه غزه مسئولیت دارد و می‌بایست از ورود هر نوع صدمه و آلودگی به آنها جلوگیری نماید، علی‌رغم اینکه غزه و یا اسرائیل امضاءکننده پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های زیست‌محیطی باشند یا نباشند.

به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل در این ارتباط بر حقوق داخلی تفوق می‌یابد و لذا رژیم غاصب اسرائیل، موظف به رعایت این قوانین می‌باشد. چنانچه دولت فلسطین به رسمیت شناخته شده باشد، هر یک از طرفین به صورت فردی یا جمعی نسبت به رعایت و حفظ محیط‌زیست می‌توانند اقدام نمایند. با توجه به محیط‌زیست شکننده منطقه غزه به ویژه در فصل پاییز و زمستان که عملیات رژیم صهیونیستی علیه سرزمین

- مسئولیت (پاکسازی، جبران غرامت و بازسازی) از سوی اشغالگر می‌گردد.
- بنابراین چنانچه شورای حکام کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد یا دیگر مراجع ذیصلاح سازمان ملل، می‌خواهد در ارتباط با حقوق بشر و محیط‌زیست، تعیین تکلیف نماید، ضروری است ابتدا اهداف، نیات و مقاصد خود را به صورت جامع و سپس به صورت جزئی در هر عرصه مشخص نماید و برای آنها استراتژی، اهداف و راهکارهای عملی مناسب و ضمانت اجرایی کارآمد پیش‌بینی نماید.
- با توجه به گستردگی شدت حملات عمدی اسرائیل به منطقه غزه، این امر بدیهی است که مسئولیت عواقب ناشی از صدمات زیست‌محیطی وارده در اثر فعالیت‌های نظامی اسرائیل در منطقه می‌بایست از سوی رژیم اشغالگر جبران گردد (Kazemi, 1998, p.83).
- همچنین چنانچه نقض معاهدات زیست‌محیطی انجام گیرد، کشور مسئول بر اساس اصل جبران خسارات وارده به دولت زیان‌دیده⁹ ملزم به جبران آسیب‌های وارده نسبت به دولت زیان‌دیده می‌باشد. اساساً دولت‌های مسئول می‌بایست سه اقدام را انجام دهند:
- ۱- پرداخت غرامت بابت بازسازی و پاکسازی؛
- ۲- بازسازی محیط آسیب‌دیده به حالت اولیه (اعاده به وضع سابق)؛
- ۳- اخذ تضمین‌های کافی برای عدم تکرار اقدام تخریب‌گرانه و نقض تعهد در آینده.
- موارد متعددی در خصوص منابع طبیعی مشترک در پیش‌نویس‌های حقوقی UNEP و بند ۸ کنوانسیون منطقه‌ای کویت، برای همکاری حفاظتی محیط‌زیست از آلودگی دریایی، دیده شده است. در تمام این موارد مسئولیت دولت مسئول به جبران غرامت جهت صدمه به محیط‌زیست قید شده است. اصل حقوقی *Sic utere tuo ut alienum non leads* در این موضوع حقوقی نیز می‌بایست رعایت شود (Kazemi, 1998, p.83).
- احکام و موادی که در مقوله حقوق بین‌الملل مسئولیت را مورد واریسی قرار می‌دهند، اساساً در خصوص وقوع صدمه و عواقب ناشی از اقدامات غیر قانونی خصمانه عمومی و به ویژه در مقوله جبران خسارات و پرداخت غرامات وارده به قربانیان می‌پردازند. این موضوع برای مدت‌های زیادی در مکاتب حقوقی بین‌الملل جاری بوده و در سال‌های

مسئولیت‌های جبران خسارت به دو صورت قابل طرح می‌باشند:

- ۱- مسئولیت‌های مدنی و جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی
 - ۲- مسئولیت جبران برای صدمات ناشی از نقض حقوق بشر و محیط‌زیست، تحت کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی
- از آنجا که مسئولیت مدنی از یک کشور به یک کشور دیگر دارای تعابیر متفاوتی باشد، از جمله انواع این مسئولیت‌ها: مسئولیت ناشی از خطا، مسئولیت محدود، مسئولیت عینی، مسئولیت ناشی از ریسک و مسئولیت مطلق.

نوع غالب مسئولیت‌ها به عملیات خطرناکی باز می‌گردد که در مقوله مسئولیت محدود قرار می‌گیرند. این نوع مسئولیت ناشی از صدماتی است که توسط مسئول، حتی در غیاب خود، و بدون تقصیر مستقیم ممکن است اتفاق افتاده باشد. این دیدگاه در کنوانسیون‌های متعددی مورد تأکید قرار گرفته است.^(۱)

مسئولیت حقوق بر مبنای بند ۷ کنوانسیون کویت برای جبران صدمات جدی وارده در منطقه بر محیط‌زیست بر مبنای نقض قوانین بازدارنده حقوق عمومی بین‌الملل است و بنابراین نوع مسئولیت

اخیر، دادگاه‌های بین‌المللی و نهاد سیاسی وابسته به سازمان ملل متحد در خصوص مفهوم مسئولیت دیدگاه‌های مشخص و روشنی را اتخاذ نموده‌اند. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، در خصوص پرونده کارخانه چرزو^{۱۰} ابراز می‌دارد «این یک اصل مسلم حقوق بین‌الملل است که نقض هر پیمان منجر به جبران خسارات به روش مناسب می‌گردد. جبران خسارات جزء لاینفک پیمان یا قرارداد در صورت نقض آن می‌باشد و اصولاً ضرورتی به بیان شفاف آن در قرارداد یا پیمان وجود ندارد». همین نتیجه در قضیه تنگه کانال کورفو نیز رعایت گردید.

بنابراین هرگونه اقدام داوطلبانه یا عدم انجام بخشی از فعالیت‌ها که منجر به عواقب ناشی از نقض پیمان می‌گردد، صدمات و خسارات وارده می‌بایست جبران گردد.

این اصل حتی زمانی که نماینده یا مؤسسه‌ای از طرف دولت هم انجام وظیفه کرده باشد، حاکم است. به عبارتی دیگر انجام هرگونه اعمال حاکمیتی از سوی اشخاص حقوقی و کارگزاران دولت، مسئولیت ناشی از آن اقدامات را برای آن دولت به همراه دارد.

10. Chorzow Factory

قطعی بوده و در نتیجه دولت مسئول، مضمون عواقب ناشی از فعل و ترک فعل خود می‌باشد. بنابراین چنانچه مسلم گردد که دولت اشغالگر، در منطقه غزه چنین اقداماتی را انجام داده است، مضمون انجام مسئولیت و جبران خسارات وارده می‌گردد.

۷- صلاحیت قضایی کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد و قوانین قابل اجرا با نگاه به تخریب محیط زیست غزه

شورای امنیت بر مبنای فصل ۷ منشور ملل متحد می‌تواند نسبت به تعیین طرف خاطی از قوانین بین‌المللی عرفی و منشور ملل متحد، اقدام و برای حل و فصل موضوع غرامات نسبت به صدور قطعنامه‌های مربوطه مبادرت ورزد.

بر مبنای قطعنامه ۶۸۷ سال ۱۹۹۱، عنوان می‌شود بدون پیش‌داوری، بدهی‌ها و مسئولیت‌های ناشی از اقدام دولت عراق پیش از دوم اوت (دولت ۱۹۹۰)، که به طور جداگانه از طریق مکانیسم‌های معمولی بررسی خواهد شد، مضمون پرداخت غرامت بر مبنای حقوق بین‌الملل برای ضررهای مستقیم وارده از جمله خدمات زیست‌محیطی و از میان بردن منابع طبیعی،

یا صدمه به دولت، ملیت‌ها یا شرکت‌های دیگر در نتیجه حمله غیر قانونی و اشغال کویت می‌باشد. با عنایت به موارد فوق، کمیسیون مذکور در خصوص بحث غزه نیز به راحتی می‌تواند ورود کند.

بر مبنای این قطعنامه سه مورد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد: ماده ۳۱ قوانین کمیسیون غرامات سازمان ملل برای ادعای خسارات (قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت (۱۹۹۱) و سایر قطعنامه‌های مرتبط دیگر صادر شده از سوی شورای امنیت و معیارهای تعیین شده از سوی شورای حکام کمیسیون غرامات سازمان ملل و در صورت ضرورت سایر قوانین مرتبط بین‌المللی. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سه مرجع اولی کاملاً مشخص بوده و در خصوص مرجع آخر، ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به صورت شفاف به موضوع مسئولیت‌ها، نقض مسئولیت‌های زیست‌محیطی و بازسازی و پرداخت غرامات را بیان می‌دارد (Kazemi, 1998, pp.88-89).

بنابراین در بحث جنگ ۲۲ روزه غزه ابتدا می‌بایست در این ارتباط که رژیم اشغالگر، مواد منشور ملل متحد در خصوص منع توسل به زور را نقض کرده است، تعیین تکلیف گردد و از آنجایی که دولت اشغالگر

داده‌اند، نداشته‌اند و از آنجا که ۱/۵ میلیون نفر مردم این منطقه در اثر فعالیت‌های نظامی آسیب دیده‌اند، پیش‌نیازهای حقوقی برای ثبت دعاوی و جبران غرامات برآورد می‌شود. این پیش‌نیازها در حوزه تخریب گسترده محیط‌زیست بیشتر در اختیار می‌باشند.

مطابق با ماده یک طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، نقض تعهدات بین‌الملل، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌گردد. این مسئولیت مطابق با ماده ۴ طرح مسئولیت در خصوص اعمال ارکان دولت از جمله نیروهای مسلح نیز موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی را فراهم می‌آورد. مطابق با ماده ۵۱ کنوانسیون اول ژنو، ماده ۵۲ کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۱۳۱ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۱۴۸ کنوانسیون ۴ ژنو، نیروهای نظامی یک دولت اعم از منظم و نامنظم نیز رکن دولت محسوب می‌شوند و مسئولیت بین‌المللی برای دولت خاطی را به همراه خواهد داشت. این مسئولیت بر اساس حقوق بین‌الملل و نوعی مسئولیت خاص^{۱۱} است که منجر به جبران خسارت محدود می‌باشد. به واقع از آنجا که دولت یک واژه انتزاعی است، مسئولیت

در راستای اقدامات صلح‌آمیز واکنش مثبت نشان نداده و اقدام به عملیات نظامی و قهری عامدانه نموده و صدمات و تخریب‌های غیر متناسب را بر محیط‌زیست و مردم غزه وارد ساخته است، مسئولیت اخلاقی و قانونی برای جبران خسارات و صدمات وارده را دارا می‌باشد.

با عنایت به موارد فوق، الگوی موضوع قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت، در صورت محوریت اسرائیل مبنی بر وارد ساختن صدمات زیست‌محیطی به منطقه غزه می‌تواند به عنوان یک الگو مورد استفاده قرار گیرد و نیز طبق ماده ۳۱ مقررات کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد برای ادعای خسارات به کار گرفته شود.

در خصوص اینکه آیا موقعیت جغرافیایی غزه و رژیم اشغالگر نزدیک به یکدیگر بوده، هیچ شکی وجود ندارد. علاوه بر اینکه مردم غزه برای دسترسی به منابع غذایی، انرژی، آب و ... نیازمند اخذ مجوزهای لازم از رژیم اشغالگر بوده و وابستگی‌های زیادی در این ارتباط داشتند، مستندات بسیار زیادی وجود دارد. همچنین کاملاً مشهود است که مردم غزه جایگزینی نسبت به آنچه از دست داده‌اند و یا روش‌ها و گزینه‌های دیگری را برای آنچه از دست

11. Sui generic

کیفیری برای دولت، تاکنون در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده است. در واقع مسئولیت کیفری ناشی از جرایم عمده از سوی ارکان دولت‌ها صورت می‌گیرد. پس امکان تعقیب کیفری ارکان و نهادها و حتی اشخاص حقیقی و حقوقی که مبادرت به اعمال مقتدرانه دولتی می‌نمایند، قابل تعقیب و اعمال مجازات کیفری هستند، مسئولیت کیفری برای دولت، در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری معنا و مفهومی ندارد و پذیرفته نیست. برای الزام بیشتر دولت‌ها به عدم نقض‌های بین‌المللی تدابیر مناسبی در فصل هفتم منشور دیده شده که جنبه‌های کیفری نیز در قالب تحریم‌ها، برای دولت‌ها لحاظ گردیده است.

ارتکاب موارد نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو (به طور خاص کنوانسیون سوم)، مسئولیت رژیم اشغالگر را نه تنها در قبال غزه، بلکه کل جامعه بین‌الملل، به دلیل منفعت حقوقی این جامعه، در خصوص نقض حقوق بنیادین بشر یعنی عدم رعایت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به همراه دارد. به واقع مسئولیت رژیم صهیونیستی در قبال کلیه جامعه بین‌الملل^{۱۲} می‌باشد.

لازم به ذکر است مسئولیت فرد و دولت در عرصه حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه مکمل و متقارن یکدیگر است و طرح مسئولیت فردی منافاتی با مسئولیت دولت ندارد. البته دولت یک موجود انتزاعی است و تمام اقدامات دولت از سوی افراد انجام می‌گیرد، و اقدامات افراد، مسئولیت دولت را ایجاد می‌نماید.

الف) تکلیف به جبران خسارت

مطابق با ماده ۳۱ طرح مسئولیت دولت (۲۰۰۱)، دولت مسئول، موظف است خسارات ناشی از عمل از لحاظ بین‌المللی خلاف تعهد بین‌المللی خویش را به طور کامل جبران کند. این قاعده در ماده ۱۳۱ کنوانسیون سوم ژنو نیز به صورت ضمنی با این عبارت که «دولت‌ها نمی‌توانند با محاکمه مرتکبین موارد نقض عمده، از خود سلب مسئولیت کنند» منعکس گردیده است.

ب) مکانیسم‌های جبران خسارت

به منظور درخواست جبران خسارت، علیه جرایم زیست‌محیطی از سوی رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه غزه، دو مکانیسم امکان‌پذیر است:

۱. مکانیسم‌های مستقل از مذاکرات

صلح

است که اصل صلاحیت جهانی را در نظام قضایی و حقوق داخلی خویش وارد ساخته‌اند. البته توسل به این راهکار نیز، از آنجا که اجرای اصل صلاحیت جهانی بیشتر در مورد افراد قابلیت دارد نه دولت‌ها، نمی‌تواند راهکاری قابل اطمینان باشد، لذا این راهکار نیز توصیه نمی‌گردد.

- توسل به حمایت دیپلماتیک. توسل به حمایت دیپلماتیک نیز به عنوان یک راهکار جهت جبران خسارات زیست‌محیطی وجود دارد، اما این روش نیز به دلیل اختیاری و کاملاً تابع ملاحظات راهبردی و سیاسی دولت‌ها بودن، از ضمانت اجرایی مؤثر و کارآمدی برخوردار نمی‌باشد.

۲. مکانیسم‌های مرتبط با مذاکرات و معاهدات صلح امکان توسل به شیوه‌های زیر پس از مخصصات مسلحانه، جهت جبران خسارات و حل و فصل اختلافات امکان‌پذیر است: الف) از طریق انعقاد قرارداد حل و فصل مقطوع^{۱۳}، ب) ایجاد دیوان داوری، ج) ایجاد کمیسیون غرامت و د) چشم‌پوشی و یا تعلیق دائم و نامحدود دعاوی خسارات.

روش اول، با آنکه متداول‌ترین است، اما به دلایل آنکه جبران خسارت واقعی نیست و

- اقامه دعوی در دادگاه‌های ملی رژیم صهیونیستی. از آنجا که اصل جبران خسارت زیان‌دیده، در تمامی نظام‌های حقوقی، اصلی شناخته شده است، امکان استفاده از این مکانیسم جهت جبران خسارت وجود دارد. البته این روش به دلایلی مانند ایراد عدم صلاحیت، بی‌حق خواندن خواهان، غیر مسموع بودن دعوی و به طور کلی با استدلال‌هایی به این شرح توصیه نمی‌شود:

۱. حق دادخواهی فردی، در قراردادهای صلح از افراد سلب شده است.

۲. جبران خسارات جنگ، مسئله‌ای بین‌الدولی است.

۳. مسئله مشمول شدن به مرور زمان؛

۴. مصونیت دولت‌ها و استناد به این امر که خسارات وارده از طریق عمل دولت‌ها می‌باشد.

۵. همچنین مشکلات عملی موجود در شکایات، در محاکم ملی رژیم صهیونیستی، مانند تعدد شکایات قربانیان نیز امکان رسیدگی به این جرایم را در سطح دادگاه‌های ملی امکان‌پذیر نمی‌نماید.

- اقامه دعوی بر اساس صلاحیت جهانی. یکی دیگر از راهکارهای جبران خسارت جهت خسارت وارده به جرایم زیست‌محیطی، اقامه دعوی نزد مراجع ذی‌صلاح ملی دولی

13. Lump Sum Agreement

نیز پرداخت خسارت ناچیز و سمبلیک است، در خصوص خسارات زیست‌محیطی با عنایت به ماهیت و گستردگی این جرایم و حقوق بنیادین روش کارآمدی محسوب نشده و توصیه نمی‌گردد.

روش دوم نسبت به روش اول برتری دارد، از آن جهت که دعاوی به صورت موردی مطرح و درباره هر موضوع حکم مستقل صادر می‌شود، اما این روش علی‌رغم آنکه شیوه و جبران خسارت با ماهیت، نوع و شدت نقض متناسب است، به دلایلی همچون توجه به لزوم اثبات دعاوی بر اساس آیین دادرسی خاص، بررسی حقوقی آنها، هزینه و زمان بسیار، روش کارآمدی محسوب نمی‌گردد.

روش سوم، یعنی ایجاد کمیسیون غرامت، در خصوص مطالبات غرامات و درخواست جبران خسارات وارده ناشی از جرایم زیست‌محیطی و حمایت از تحقق و توسعه، اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به عنوان بهترین راهکار محسوب می‌گردد. ایجاد کمیسیون غرامات، یکی از موفق‌ترین تجربه‌های سازمان ملل متحد در خصوص حل و فصل دعاوی مربوط خسارات ناشی از جرایم جنگی می‌باشد. این کمیسیون بر مبنای فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد از

سوی شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۵ توانست به ۲۷۰۰۰۰۰۰ دعوی رسیدگی و در خصوص ۱۵۰۰۰۰۰۰ دعوی ناشی از خسارات وارده به قربانیان جنگی، جنگ عراق و کویت ۱۹۹۱، حکم به پرداخت

غرامت صادر کند. اگرچه این کمیسیون که از طریق هیأت‌هایی از کارشناسان خبره مستقل در هر حوزه تشکیل می‌شود و هیأت توصیه‌هایش را به شورای مدیران کمیسیون، که اعضای شورای امنیت می‌باشد، ارجاع می‌دهد و این شورا تصمیمات را بررسی و تصویب می‌کند، ماهیت قضایی ندارد و بیشتر شبیه یک نهاد حل و فصل اختلافات است، اما می‌توان به نقش این کمیسیون با عنایت به آمار ارائه‌شده در خصوص صدور حکم، در دعوی ناشی از جرایم جنگی (عراق و کویت ۱۹۹۱) اشاره نمود. به واقع این کمیسیون می‌تواند به عنوان اولین نهاد «قربانی‌محور» که افراد در فرایند مطالبه غرامت ناشی از نقض عمده حقوق بشردوستانه، نقش اصلی و محوری دارند، محسوب گردد.

در اینجا می‌توان باز هم به عدم اراده شورای امنیت، جهت ایجاد این کمیسیون به منظور مطالبه غرامات ناشی از جرایم زیست‌محیطی در منطقه غزه، در جنگ ۲۲

گرامت، همکاری و معاضدت کلیه کشورهای متعهد کنوانسیون‌های ژنو جهت اجرای ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم ژنو و نهایتاً همکاری تمامی دولت‌ها به حمایت از قواعد آمره و حقوق بنیادین بشری، از جمله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، در گسترش مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی به طور کلی دولت خاطی، گامی مؤثر در حمایت از این اصول و حقوق تلقی می‌گردد (داعی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۲-۱۰۴).

۸- موضع رژیم صهیونیستی در برابر «بی‌کیفری» با عنایت به اصل مسئولیت کیفری فردی، در جنایات غزه

مطابق حقوق بین‌الملل می‌توان مسئولیت «فرد» را به صورت مستقیم با امکان محاکمه و مجازات افراد، مطابق آنچه در دادگاه نورنبرگ نیز اعلام شد، خواستار گردید. طبق اعلام دادگاه نورنبرگ: "از آنجایی که جرایم علیه حقوق بین‌الملل توسط افراد و نه توسط موجودیت‌های انتزاعی ارتکاب می‌یابند، تنها با مجازات فردی که مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند، مقررات حقوق بین‌الملل قابل اجرا می‌باشد"، این امر در ماده ۱۲۹ کنوانسیون

روزه و رویکرد سیاستمدارانه این رکن سازمان ملل متحد اشاره کرد.

روش چهارم نیز از آنجا که امروزه نقض عمده قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، از قواعد آمره محسوب می‌شود و کلیت منافع جامعه جهانی را به خطر می‌اندازد، بنابراین این روش یعنی اعراض از حقوق ناشی از قواعد آمره، از سوی دولت‌ها اعتباری ندارد.

پس نتیجه آنکه درخواست جبران خسارات ناشی از نقض‌های عمده حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فارغ از اینکه این ناشی از رابطه دولت با دولت است یا فرد با دولت، بخش مهمی از عدالت ترمیمی در حوزه حقوق بین‌الملل است.

تلاش مجامع بین‌الملل در جهت ایجاد سازوکار مناسب، پذیرش، ثبت رسمی دعاوی کیفری و مدنی، حمایت از تشکیل سازمانی به منظور پیگیری و محاکمه جنایتکاران جنگی و جرایم حقوق بشری، الزام دولت خاطی به استناد به مسئولیت بین‌المللی خویش در مقابل نقض تعهدات بین‌المللی در عرصه حقوق بین‌الملل، تلاش در جهت ایجاد سازوکار مناسب و مشخص به منظور حمایت کیفری از این حقوق و تضمین جبران خسارت عادلانه از جمله تشکیل کمیسیون

سوم ژنو منعکس گردیده است. مطابق با اصل مذکور هر فردی که در مخاصمات مسلحانه شرکت نماید، بدون توجه به مقام و منصب وی، در صورت عدم رعایت اصول و قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه، مشمول امر فوق می‌گردد.

این مشمولیت سبب ایجاد مسئولیت برای فرد و پیگیری مسئولیت کیفری فردی، در مراجع ملی و بین‌المللی می‌گردد. اصل مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل عرفی و اسناد بین‌المللی زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

مواد ۴۴ و ۴۷ کد لیبر^{۱۴}، ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورمبرگ، ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو، ماده ۴۹ کنوانسیون یک ژنو، ماده ۵۰ کنوانسیون ۲ ژنو، ماده ۱۲۹ کنوانسیون ۳ ژنو، ماده ۱۴۶ کنوانسیون ۴ ژنو، ماده ۲ و ۳ اساسنامه بین‌الملل کیفری یوگسلاوی سابق و مواد ۵ و ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

مسئولیت کیفری فردی هم مشمول ارتکاب نقض عمده و هم تلاش به هرگونه ارتکاب، کمک، معاونت، طراحی، ترغیب، انجام جرایم جنگی مطابق با (اصل ۷ منشور

نورنبرگ) و سایر موارد نقض کنوانسیون، که نقض عمده محسوب نمی‌شوند نیز می‌گردد.

بنابراین تمامی افراد از مباشرین تا شرکاء و معاونین، و مسئولین دولتی، در خصوص مواردی که از نقض آگاه بوده و یا می‌بایست آگاه می‌بودند، بر حسب مسئولیتی که دارا هستند، مسئولیت کیفری داشته و جنایتکار جنگی محسوب می‌شوند.

کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و تعدادی از گروه‌های حقوق بشری رژیم اشغالگر، فهرست نگران‌کننده‌ای از نقض قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه توسط سربازان اسرائیلی در مخاصمه ۲۲ روزه غزه ارائه داده‌اند. این اتهامات حول دو محور اساسی بود: حملات آگاهانه و عامدانه به غیرنظامیان و جمعیت غیر نظامی و عدم رعایت اصل تناسب.

طبق مقررات مربوط به نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو، دول عضو کنوانسیون مذکور موظف‌اند افراد متهم به ارتکاب این‌گونه نقض‌های فاحش یا کسانی که فرمان ارتکاب آن را صادر کرده‌اند، پیدا کرده، فارغ از تابعیتشان آنها را در محاکم خود محاکمه کنند یا به دولتی که تقاضای استرداد و محاکمه آنان را داشته باشد، مسترد بدارند.

به مجروحین و هدف قرار دادن مردمی که پرچم سفید در دست داشته‌اند.

در دستگاه‌های قضایی و اجرایی رژیم اشغالگر، اراده لازم برای محاکمه ناقضان حقوق بشردوستانه به چشم نمی‌خورد و نخست‌وزیر رژیم مزبور نیز اعلام کرده: «فرماندهان و سربازانی که به غزه فرستاده شدند، باید بدانند که کاملاً در برابر محاکم مختلف امنیت دارند و این رژیم به آنها کمک کرده، آنان را حمایت می‌کند.»

دستگاه سانسور ارتش رژیم اشغالگر نیز هویت فرماندهانی را که در جنگ غزه حضور داشته یا به نحوی در آن درگیر بوده‌اند، به دلیل ترس از ایراد اتهام جنایت جنگی فاش نکرده است. دادستان کل این رژیم به رسانه‌ها دستور داده از فاش کردن نام پرسنل نظامی که در جنگ سه هفته‌ای در نوار غزه شرکت کرده‌اند، خودداری کنند.

چنین اقدامات گسترده‌ای نشان‌دهنده تلاش سیستماتیک رژیم اشغالگر برای اشاعه بی‌کیفری و حمایت از ناقضان حقوق مخاصمات مسلحانه است که فی نفسه نقض فاحش «قواعد بنیادین برای حفظ ارزش‌های والای جامعه بین‌المللی» به شمار می‌رود و متضمن تشدید «مسئولیت بین‌المللی» برای رژیم صهیونیستی است.

بسیاری دیگر از نقض‌های مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه (حقوق بشردوستانه) که در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز به آن اشاره شده، امکان اعمال اصل صلاحیت جهانی را در اختیار دولت‌ها می‌گذارد. به عبارت دیگر «اصل ممنوعیت بی‌کیفری و لزوم محو آن»، که امروزه جزء اصول مسلم حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود، مستلزم آن است که مواردی که در قبل به آنها اشاره گردید، مانند گلوله‌باران مناطق پرجمعیت غیر نظامی، توسل به سلاح‌های ممنوع از جمله بمب‌های فسفوری سفید، تخریب عامدانه محیط زیست و ... بدون پاسخ نماند.^(۲)

با عنایت به اصل «ممنوعیت بی‌کیفری»^{۱۵}، مراجع مختلفی خواستار تحقیق و بررسی در خصوص وقوع ارتکاب جنایات جنگی در نوار غزه شده‌اند، از جمله مهم‌ترین سازمان حقوق بشری رژیم اشغالگر، «بتسلم» طی نامه‌ای از دادستان کل اورشلیم خواسته تحقیقاتی در خصوص جنایات جنگی احتمالی خصوصاً در موارد زیر انجام دهد: انتخاب اهداف، کشتن افراد پلیس شهری، ممانعت از دسترسی مجروحین به کمک‌های پزشکی و ممانعت آمبولانس‌ها از کمک‌رسانی

15. Forbidden Non – Criminal Liability

اگرچه دستگاه قضایی رژیم صهیونیستی مایل به انجام تحقیقات و اعمال صلاحیت در خصوص نقض‌های ارتكابی و جنایات جنگی در درگیری غزه نباشد، نظام عدالت بین‌المللی چنین نقض‌هایی را نادیده نخواهد گرفت. گروه‌های حقوق بشری فلسطینی، شکوایه‌هایی در خصوص نقض‌های مذکور تقدیم دیوان بین‌المللی کیفری کرده‌اند، دادستان کل دیوان بنابه این ادعا که حکومت خودگردان فلسطین طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه، صلاحیت دیوان را در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ در مورد وقایع غزه پذیرفته، بررسی و رسیدگی به قضیه را آغاز کرده است. در واقع باید اذعان نمود که شناسایی صلاحیت دیوان، به معنای شناسایی ضمنی دولت فلسطین تلقی می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت برای مبارزه با بی‌کیفری و اجرای عدالت، تنها دو راه حل باقی خواهد ماند: دیوان بین‌المللی کیفری، و محاکم داخلی دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی.

ذکر این نکته لازم است که در خصوص حکومت خودگردان فلسطین، از آنجا که در سطح بین‌المللی به عنوان دولت شناسایی نشده، دیوان با وضعیت پیچیده‌ای روبه‌روست: اگر صلاحیت خود را احراز نکند، بدین معناست که فلسطینی‌ها را در خلأ

حقوقی قرار داده و آن آرمان «دوباره هرگز» به دست فراموشی سپرده شده است؛ و چنانچه صلاحیت خود را بپذیرد، می‌توان به معنای آن باشد که حکومت خودگردان فلسطین را به عنوان یک دولت شناسایی کرده و پذیرفته است و این امر ناخودآگاه به بعد سیاسی قضیه دامن خواهد زد. ساحل عاج اولین عضو غیر دولتی است که صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را در مورد جنایات ارتكابی در سرزمین خود در سال ۲۰۰۵ با صدور اعلامیه‌ای در مورد جنایات ارتكابی پذیرفت.

بنابر راه حل دوم، اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم داخلی است که عمدتاً از محاکم ملی دول اربایی انتظار می‌رود. هرچند که سازوکار نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو، اعمال صلاحیت جهانی را در خصوص این نقض‌ها الزام‌آور ساخته است، اما دولت‌ها تمایلی ندارند به این الزام جامه عمل بپوشانند.

رژیم اشغالگر به عنوان عضو کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، به دلیل محاصره طولانی مدت نوار غزه و انجام عملیات نظامی، به اصل عدم رعایت قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه مانند اصل تناسب و نقض دیگر اصول اساسی و قواعد بنیادین حقوق

دولت‌ها در خصوص بحران‌های بین‌المللی و ضمانت اجرای قواعد حقوق بین‌الملل با مسئولیت دیگر دولت‌ها یکسان نباشد.

گزارشگر ویژه ملل متحد برای سرزمین‌های اشغالی در جریان درگیری، اظهار داشته است که ایالات متحده و دیگر شرکت‌کنندگان کنفرانس آنابولیس برای به جریان انداختن مجدد برنامه صلح خاورمیانه و توقف عملیات نظامی رژیم اشغالگر در نوار غزه و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل و نیز حمایت از غیرنظامیان، تعهدی اخلاقی و حقوقی دارند. در همین راستا شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۹ از جامعه بین‌الملل خواست برای پایان دادن به عملیات این رژیم در غزه و نقض‌های فاحش ارتكابی، دست به اقدامات فوری زنند. با این حال مهم‌ترین نهاد جامعه بین‌المللی به دلیل تهدید و توی مهم‌ترین عضو دائمی خود، از ایفای نقشی که از آن انتظار می‌رفت، بازماند.

در فاصله سپتامبر ۱۹۷۲ تا دسامبر ۲۰۰۸، ایالات متحده ۴۵ بار قطعنامه‌های مربوط به «وضعیت در خاورمیانه و مسئله فلسطین» را وتو کرده است. در هر مورد، ایالات متحده تنها دولتی بود که از حق وتو استفاده کرده است.

بشردوستانه به طور جدی و نیز به دلیل اشاعه بی‌کیفیری و تلاش نظام‌مند جهت ممانعت از اجرای عدالت و اعمال مسئولیت کیفری فردی، «مسئولیت بین‌المللی» دارد. بر عهده جامعه بین‌المللی است که با اقدامات خود رعایت قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی را تضمین کنند و آثار ناشی از مسئولیت بین‌المللی رژیم اشغالگر را به مرحله اجرا بگذارند. این وظیفه‌ای است که طبق ماده یک مشترک در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و ماده ۸۹ پروتکل اول الحاقی و نیز ماده ۴۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال خلاف بین‌المللی (۲۰۰۱)، شامل متوقف ساختن نقض، عدم شناسایی وضعیت حاصل از نقض و عدم کمک و معاضدت به استقرار آن است.

جامعه بین‌المللی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اهرم‌های قدرتی را به برخی اعضای خود اعطا کرده و امکاناتی را در اختیار آنها گذاشته است. تأثیرگذاری اعضای دائم شورای امنیت بر حل و فصل بحران‌های بین‌المللی به دلیل موقعیتی است که این دولت‌ها در شورا از آن برخوردارند و می‌توانند تأثیرات یک‌جانبه‌ای بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌های نهاد مذکور بگذارند. در نتیجه، موجب شده تا بار مسئولیت این

ایجاد مانع در فرآیند ارجاع قضیه درگیری در نوار غزه و نقض‌های فاحش ارتكابی در خلال آن، از سوی شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری، طبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه این دیوان، از نتایج این رویه ایالات متحده تلقی می‌شود که برای ایالات متحده می‌توان مسئولیت بین‌المللی به همراه داشته باشد؛ چرا که به نوعی کمک به «اشاعه بی‌کیفری» به حساب می‌آید. این در حالی است که وضعیت درگیری در غزه به نسبت وضعیت دارفور، اولویت‌های بیشتری برای رجوع به بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه را مطرح می‌کند.

ایالات متحده با توسل به حق وتو، نه تنها تعهدش به همکاری در توقف نقض را نادیده گرفته، بلکه به تعهد به عدم شناسایی و عدم کمک و معاضدت نیز بی‌اعتنا بوده است. مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ چنین سیاست‌هایی را که با سوء استفاده از حق وتو و کمک‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی، اجرای حقوق خدشه‌ناپذیر مردم فلسطین را با شکست مواجه کرده و رژیم اشغالگر را قادر به ادامه اشغال و عدم تمایل به انجام تعهداتش بر اساس منشور ملل متحد و قطعنامه‌های صادر از ارکان آن می‌کند، محکوم ساخته است.

بیان حقوقی این موضع‌گیری، رأی مشورتی دیوار حائل است که طی آن دیوان بین‌المللی دادگستری «تعهدات» دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی را در قبال سیاست‌های رژیم اشغالگر که منجر به نقض فاحش تعهدات عام‌الشمول می‌شود، بیان کرده است.

هیچ یک از این دولت‌ها اقدامی در راستای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه توسط رژیم اشغالگر طبق ماده یک مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ از جمله اقدامات متقابل غیر از توسل به زور یا اقدامات دیگری که در حقوق بین‌الملل ذیل این تعهد، شناسایی یا به آن اشاره شده، اتخاذ نکردند.

لازم به ذکر است که باید مسئله مسئولیت دولت‌ها به دلیل ممانعت از تحقق وظایف سازمان‌هایی که عضویت آن را دارند، جدا از مسئولیت خود سازمان‌های مذکور است. طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و این مسئولیت طبق ماده مذکور از آنجا به این نهاد واگذار شده که بتواند از طرف ملل متحد و اعضای آن دست به اقدام «سریع» و «موثر» بزند. به علاوه بند ۲ ماده ۲۴ مقرر می‌دارد که شورای امنیت در اجرای وظایف

قطعه‌نامه آمده که صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر، ستون‌های نظام ملل متحد و امنیت دسته‌جمعی است و این عناصر به یکدیگر پیوند خورده، متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.

تنها قطعه‌نامه شورای امنیت که در بحبوحه درگیری در نوار غزه صادر شد، وضعیت را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار نیاورد و بنابراین به فصل هفت منشور استناد ننمود. به علاوه، شورا از دیگر روش‌ها و ابزارهایی که برای اقدام «سریع» و «مؤثر» طبق بند یک ماده ۲۴ منشور برای انجام وظایفش در اختیار داشت نیز استفاده نکرد که از جمله این اقدامات می‌توان به ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی طبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان اشاره کرد. در حالی که دبیر کل ملل متحد، شورای حقوق بشر و حتی کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد و نیز سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیر دولتی دیگر خواستار انجام تحقیقاتی در خصوص جنایات جنگی احتمالی در درگیری سه هفته‌ای در غزه شدند، شورای امنیت نه تنها در خصوص امکان انجام هرگونه تحقیق در این خصوص یا تضمین مسئولیت کیفری فردی ساکت مانده، بلکه رویه معمول خود را

برخاسته از مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، باید طبق اصول و اهداف ملل متحد عمل کند که از جمله این مقاصد اصول، حصول همکاری بین‌المللی در حل آن دسته مسائل بین‌المللی است که دارای جنبه بشردوستانه هستند. ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز از دیگر مقاصد ملل متحد است که باید بدون هرگونه تبعیضی اعمال شود. بنابراین، شورای امنیت موظف است در وضعیت‌های مختلف، بدون هرگونه تبعیض، تصمیم‌گیری کند و اقدامات لازم را اتخاذ کند.

به نظر می‌رسد شورای امنیت این اصل زیربنایی و بنیادین عدم تبعیض را نادیده گرفته و در وضعیت‌های مختلفی که جمعیت غیر نظامی عامدانه و آگاهانه مورد حمله قرار گرفته‌اند و یا دیگر اصول اساسی حقوق بشردوستانه به طور جدی نقض شده، مواضع متفاوتی اتخاذ کرده است؛ در حالی که قطعه‌نامه ۱۶۷۴ مصوب شورا در خصوص حمایت از غیرنظامیان در وضعیت‌های درگیری مسلحانه، صراحتاً اعلام می‌کند که هدف قرار دادن عامدانه غیر نظامیان و دیگر اشخاص تحت حمایت در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه می‌تواند تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. در این

که نیز درخواست گزارشی از دبیرکل در باب وضعیت یا چگونگی اجرای مفاد قطعنامه توسط اطراف درگیر است، انجام نداده است. شورا حتی در قطعنامه ۱۸۶۰، اشاره‌ای به نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و یا الزام به رعایت این حقوق و یا الزام رژیم اشغالگر به رعایت حقوق مذکور ننمود.

قطعنامه مذکور تنها خواستار آتش‌بس پایدار در غزه شد. این در حالی است که قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت صراحتاً مقرر می‌دارد که پایان دادن به بی‌کیفری برای پیشگیری از ارتکاب نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در آینده از اهمیتی اساسی برخوردار است. در قطعنامه اخیر، بر مسئولیت دولت‌ها در رعایت تعهدات برخاسته از ممنوعیت بی‌کیفری و محاکمه افراد مسئول برای ارتکاب جنایات جنگی و نقض‌های جدی حقوق بشر دوستانه تأکید شده است. به علاوه دیوان به نقش محاکم بین‌المللی موقت و محاکم مختلط و کمیسیون‌های سازش که معمولاً تنها توسط خود شورای امنیت امکان تشکیل آن وجود دارد، اشاره کرده است.

ترویج و تشویق رعایت حقوق بشر و بشردوستانه در اسناد دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز به عنوان اصول و

اهداف یا خط مشی‌های اساسی آنها ذکر شده است. از جمله سند شماره «۲۰۰۵/۰۴/۳۳۷/۰۴» اتحادیه اروپا، این نهاد را موظف کرده برای تضمین رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از خط مشی‌های این اتحادیه استفاده مؤثر نماید. اما متأسفانه می‌توان گفت عدم اتخاذ موضع علیه نقض حقوق بشردوستانه در غزه از سوی اتحادیه اروپا، پیوند اصول اروپایی با رعایت و ترویج حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را زیر سؤال می‌برد (اخوان‌خرازیان، ۱۳۸۸، صص ۶۸-۴۳).

فرجام

در نهایت می‌توان گفت فرآیند اعمال مسئولیت بین‌المللی در حوزه جرایم زیست‌محیطی، با روندی کند و زمان‌بر همراه می‌باشد و این فرآیند بسیار کندتر از سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل بوده است. این کندی علل مختلفی دارد که اهم آنها، عواملی نظیر حاکمیت کشورها، عدم تمایل دولت‌ها به از دست دادن حاکمیتشان، غیر معاوضه‌ای بودن تعهدات زیست‌محیطی، اختیاری بودن رژیم مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی، فقدان یک دادگاه بین‌المللی خاص و مستقل، عدم امکان مراجعه افراد و سازمان‌ها به دیوان بین‌المللی دادگستری،

به واقع هرچند سازمان‌هایی مختلف مانند برخی ارکان سازمان ملل متحد متولی این امرند، اما عدم وجود یک مرجع خاص جهانی، اجرای رژیم مسئولیت، ناشی از خسارات زیست‌محیطی به طور کامل و مؤثر را امکان‌پذیر نخواهد نمود.

تمامی اعضای جامعه جهانی باید تحت اصل پذیرفته‌شده " محیط‌زیست میراث مشترک بشریت " برای حفاظت از آن توجه و تلاش نمایند. آنچه که در قبال محیط‌زیست غزه رخ داد و تدابیری که رژیم صهیونیستی برای اعمال بی‌کیفری در پیش گرفته است، اگر جامعه جهانی خاصه سازمان ملل متحد برای آن تدبیر نکند، بیم آن می‌رود که بی‌کیفری نهادینه شود و تبدیل به یک رویه گردد. آنچه در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ رخ داد و تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ ادامه یافت و در تاریخ به‌عنوان جنگ ۲۲ روزه غزه به ثبت رسید، نقض گسترده بسیاری از مفاد پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی خاصه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های لاهه، بود که مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی در این نقض‌های گسترده به وضوح قابل شناسایی است. همان طور که در خلال مباحث به‌صورت مستند و مستدل آورده شد، هم رژیم صهیونیستی از پذیرفتن

فقدان پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر در سطح بین‌الملل می‌باشد.

شاید پیشنهادهایی به شرح زیر بتواند در ایجاد ضمانت اجرا و توسعه و گسترش اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مؤثر واقع گردد و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در این خصوص احیاء نماید.

۱- با عنایت به اینکه افراد بشر، مخاطب مستقیم مقررات زیست‌محیطی می‌باشند، بهتر است یک مکانیسم بین‌المللی مستقل، با دارا بودن صلاحیت شخصی جهت حضور، افراد، سازمان‌ها و مؤسسات تخصصی، جدای از سیستم‌های حقوقی ملی و یا در کنار این مراجع ملی تعبیه گردد.

۲- رژیم مسئولیت بین‌المللی زیست‌محیطی، باید به تدریج از حالت اختیاری، توصیه‌ای و تشویقی به سوی اجباری و تحمیلی تغییر یابد که این می‌تواند در قالب بستر مناسب، از توسعه مفاهیمی همچون میراث مشترک بشریت، قواعد بنیادین و قواعد آمره صورت پذیرد.

۳- ایجاد یک ارگان و متصدی خاص مستقل و مقتدر جهانی، جهت تحقق اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و کارآمد کردن رژیم مسئولیت کیفری برای این حوزه از حقوق.

۲. اخوان خرازیان، مهنراز، (۱۳۸۸)، «اعمال حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در مخاصمه اخیر غزه»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۶، شماره ۴۰.
۳. بختیاری اصل، فریبرز، (۱۳۷۲)، **حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۴. داعی، علی، (۱۳۸۷)، «مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق»، **مجله حقوقی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۸.
۵. ریسی، لیلا، (۱۳۸۷)، «بررسی تحولات مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی»، **مجله وکالت**، شماره ۳۷ و ۳۸.
۶. جلالی، محمود، (۱۳۸۸)، «تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست و مشکلات آن»، **فصلنامه حقوقی**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره اول.
۷. حدادی، مهدی، (۱۳۸۹)، «استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ش ۴۲.
۸. حسینی اکبرنژاد، حوریه، (۱۳۸۸)، «جنگ علیه حقوق جنگ، ارزیابی نبرد ۲۲ روزه غزه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ص ۲۶، شماره ۴۰، مرکز امور حقوقی بین‌الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری.
۹. مستقیمی، بهرام و مسعود طارم سری، (۱۳۷۷)، **مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به حمله عراق به ایران**، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مسئولیت خود طرفه رفته و هم جامعه با کمال تأسف در وادار کردن این رژیم در پذیرفتن مسئولیت خود کوتاهی کرده است. اقدامات رژیم صهیونیستی در تمسک به بی‌کیفری با هیچ بیانی قابل توجیه نیست.
- پانوشتها**
۱. برای مثال می‌توان به کنوانسیون‌های زیر اشاره کرد:
- 1) Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damages, from Offshore Operation, London 1967
- 2) Convention on Civil Liability for oil Pollution Damages Brussels 196 (Concerning Tanker and other Vessels)
- 3) Convention on Civil liability for Nuclear Damages Venue 1963
- 4) Convention on Third party Liability in the field of Nuclear Energy, Paris 1979.
۲. قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت که بیان حقوق عرفی در زمینه حمایت از جمعیت غیر نظامی محسوب می‌شود، بر لزوم محو بی‌کیفری در جوامع در حال درگیری یا جوامعی که در دوران بازسازی پس از درگیری به سر می‌برند، تأکید کرده است.
- منابع فارسی**
۱. آل کجیاف، حسین، (۱۳۹۰)، **روش تحقیق در علم حقوق**، تهران، انتشارات جنگل.

17. *Human Rights Council* (A/HRC/12/48), 25.Sep.2009, op.Cit. Paras . 1804-1806.
18. Principles on the Effective Prevention and Investigation of Extra Judicial Arbitrary and Summary Executions (Economic and Social Council Resolution, 1989/65 Annex)
19. The Principles on the Effective Investigation and Documentation of Torture and other Cruel Treatment (General Assembly Resolution, 55/89 Annex)
۱۰. موسی‌زاده، رضا، (زمستان ۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، نشر میزان، چاپ دهم تهران.
۱۱. میرعباسی، سیدباقر، سیدحسین سادات میدانی، (۱۳۸۴)، *دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل*، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
۱۲. *مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)*، (۱۳۸۹)، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.

منابع لاتین

13. Duncan, E. J. Currie LLB. (Hons) LLM.22 May, (2003), *Preventative War, and International Law after Iraq* .
14. Human Rights in Palestine and Other Occupied Arab Territories, *Report of the United Nations Fact – Finding Mission on The Gaza Conflict*, General Assembly, Human Rights Council Twelfth Session, Agenda item7 (A/HRC/12/48), 25.Sep.2009.
15. Kazemi Zand, (1998), A..A. *Statement of Claim the Ministry of Jihadesazandegi*, Tehran, Iran.
16. Hermidas Bavand, D. (1985), *The Breach of International Obligation and Consequential Responsibilities Arising there from*, Proceedings : First International Conference on the Impact of Oil Spill in the Persian Gulf, may 20-27, 1984, Tehran University.